



قرار بود در ۱۱ طبقه بدون احتساب طبقه منفی یک و بام با زیربنای ۲۵۰۰۰ مترمربع با سه بر ۵۰ متری در خیابان امیری و ۲۷ متر بر در خیابان سعدی و ۱۰۰ متر بر در فرعی ۱۳، به عنوان یک مجموعه تجاری، تفریحی، فرهنگی و پارکینگ طبقاتی ساخته شود که بخش اعظم آن فرو ریخت.

دلیل فرو ریختن این ساختمان به صورت رسمی اعلام نشده. با این حال پژوهشگاه مهندسی سازه پژوهشگاه بین المللی زلزله شناسی و مهندسی زلزله، سه دلیل اصلی فرو ریختن این مجتمع را عدم توجه به رعایت سیستم های مهندسی، عدم توجه سازندگان به هشدارهای مهندسان ناظر و بی توجهی شهرداری آبادان به این هشدارها اعلام کرد.

«بر اثر این حادثه ۴۳ نفر جان باختند و ۳۷ نفر مصدوم شدند. در روزهای ابتدایی فرو ریختن ساختمان متروپل خیابان های منتهی به این ساختمان برای تردد شهروندان محدود شد و همچنین بسیاری خسارت های بدنی بوده اند.»

فکر می کنم یک دختر هم از این حادثه جان سالم به در برده است.

منظوم کارگران داخل ساختمان بود.

بله، اگر بخواهیم از میان کارگران متروپل حساب کنیم، عبدالله تنها کاری است که پس از این حادثه زنده مانده است. وقتی حادثه رخ داد ما آنجا حضور داشتیم. برادرم زنده بود و نفس می کشید، اما چندین تیر آهن روی بدن او افتاده بود. سریع او را به بیمارستان انتقال دادیم و بیش از بیست روز در بیمارستان بستری بود. حالا هم که دیگر نمی تواند از جاییش تکان بخورد و با کمک اطرافیان از جاییش بلند می شود.

چند کاری هم که گفته شده از ساختمان فرار کردند آن ها داخل ساختمان کناری این برج بودند، چون همان طور که می دانید بخشی از این ساختمان فرو ریخت و بخش دیگر سالم ماند. کارگرانی که توانستند فرار کنند در برج کناری متروپل در طبقه همکف مشغول به کار بودند. همین ساختمانی می گویم سالم ماند این کارگران آنجا کار می کردند. عبدالله روز حادثه در طبقه آخر این برج بود که یک دفعه زیر پایش خالی شد و ساختمان ریزش کرد.

۸۰ کشته و مصدوم

متروپل دارای دو ساختمان جداگانه بود. برج شماره یک و برج شماره دو. برج شماره یک برجی تجاری، پزشکی و اداری و ۱۰ طبقه با بیش از ۶۰۰۰ مترمربع زیر بنا در خیابان امیری آبادان واقع است. این برج

ناگفته های تنها کارگر بازمانده فاجعه متروپل آبادان؛

او ۱۷ روز در کما بود

که ناگهان دیدم زیر پایم تکان خورد. رفتم قمقمه آبی که همراهم بود را بردارم که یک دفعه زیر پایم خالی شد، دیگر هیچی یادم نیست. برادرم تعریف می کند وقتی که پیدایم کردند چند تیر آهن روی بدنم بوده است. حدود ۱۷ روز در کما بودم ولی در کل ۲۲ روز در بیمارستان بستری بودم.

بسه خاطر اتفاقی که برام افتاد نمی توانم تا آخر عمر کار کنم. پای چپم قطع شده است. پای سمت راستم هم از زانو شکسته بود و می خواستند آن را قطع کنند که دیگر نشد و هر طور که بود آن را به زانویم پیوند زدند. چطور بهتان بگویم چشم سمت چپم انگار دود گرفته و دچار مشکل شده و تار می بیند. انگشت های دست چپم را هم نمی توانم تکان بدهم. کلیه و مستناب هم دچار مشکل شده اند.

او در ادامه توضیح می دهد: «دو دختر دارم که یکی از آن ها تازه به دنیا آمده و ۲۰ روزش است. زندگی ام به سختی می گذرد. از روزی که از بیمارستان مرخص شدم مرتب در خانه نشسته ام و بیرون نمی توانم بروم. این طور بهتان بگویم که حتی تا سروسیس بهداشتی هم می خواهم بروم باید دو نفر زیر بغل مرا بگیرند. پزشکان به من گفتند که عصب کل بدنم ضعیف شده و من نمی توانم دیگر هیچ کاری انجام بدهم. تا همین الان هم با کمک خیرین و مردم زندگی مان را می گذرانیم.»

سمیر برادر عبدالله چند سوال را پاسخ می دهد: آیا برادران تنها بازمانده از حادثه متروپل است؟

داد و توضیحاتی را ارایه کرد. پس از فرو ریختن ساختمان ده ها نفر مفقود شدند و کارگران داخل این برج و افسرادی که در اطراف این ساختمان بودند، جان های شان را از دست دادند. با گذشت چهار ماه از ریزش برج های دولتی متروپل هنوز کسی نمی داند که چه تعداد کارگر در روز حادثه در این ساختمان مشغول به کار بوده است!

اما یکی از کارگران متروپل، از آن حادثه جان سالم به در برده است. او در ایسن حادثه هوئناک یکی از پاهایش را از دست داده است. همچنین انگشتان دست چپ او، کلیه و یکی از چشم هایش نیز دچار مشکل شده اند. حالا او با وجود دو فرزند، دیگر نمی تواند کار کند و با کمک های خیرین و مردم مخارج زندگی اش تامین می شود.

۱۷ روز در کما

این کارگر بازمانده از حادثه متروپل که ساکن جزیره مینو است، عبدالله نام دارد و ۲۷ ساله است. جزیره مینو بین خرمشهر و آبادان قرار گرفته. عبدالله در خصوص روز حادثه و وضعیت کنونی اش می گوید: «قبل از این حادثه برادرم هم در این ساختمان مشغول به کار بود، اما بعد از مدتی دیگر با آن ها همکاری نکرد. خود من سه سال بود که در آن ساختمان کار می کردم. قبل از اینکه برای کار به برج های دولتی متروپل بروم، دو سال هم در ساختمان دیگری که مربوط به هلدینگ عبدالباقی بود، فعالیت می کردم.

روز حادثه من در طبقه یازدهم مشغول به کار بودم

گروه حوادث - کارگر بازمانده از حادثه متروپل که ساکن جزیره مینو است، عبدالله نام دارد و ۲۷ ساله است گفت: روز حادثه من در طبقه یازدهم مشغول به کار بودم که ناگهان دیدم زیر پایم تکان خورد. رفتم قمقمه آبی که همراهم بود را بردارم که یک دفعه تعریف می کند وقتی که پیدایم کردند، چند تیر آهن روی بدنم بوده است. حدود ۱۷ روز در کما بودم ولی در کل ۲۲ روز در بیمارستان بستری بودم.

۴ ماه از فاجعه متروپل می گذرد

حدود چهار ماه است که از حادثه ریزش برج های دولتی متروپل می گذرد. حادثه ای که ظهر روز دوشنبه ۲ خرداد ماه سال جاری در خیابان امیری واقع در مرکز آبادان رخ داد. در پی وقوع این حادثه، بخشی از برج شماره دو این ساختمان آسمان خراش فرو ریخت که منجر به کشته شدن ۴۳ نفر و مصدوم شدن ۳۷ نفر دیگر شد.

این ریزش بر اثر شکست سازه ای به دلیل نقض ضوابط فنی و عدم رعایت اصول استاندارد های مهندسی اتفاق افتاد. تعدادی از مقصران اصلی این حادثه دستگیر شدند و اما «حسین عبدالباقی» که مالک و مقصر اصلی ایسن برج های دولتی بود، یک روز پس از فرو ریختن ساختمان، افکار عمومی با انتشار خبری مبنی بر تأیید هویت جسد او مواجه شدند ولی مرگ او در حال های از ابهام باقی ماند تا در نهایت پزشکی قانونی به این ابهامات واکنش نشان

سرنوشت سیاه عروس ۱۶ ساله



خارج شوم. او گوشی تلفنم را گرفت و حتی مرا از دیدن خانواده ام محروم کرد. وقتی صبح برای رفتن به سرکار از خانه خارج می شد بر من زور اقبال می کرد و من روزهای سختی را می گذراندم. در این سن و سال بیشتر از همیشه به ظاهر خود می رسیدم و اوقات زیادی را صرف آرایش و پوششش خودم می کردم. حالا دیگر خانه داری و شوهر داری را هم به فراموشی سپرده بودم و حتی زمانی که اسحاق اعتراض می کرد به روی او دست بلند می کردم و به خانواده اش ناسزا می گفتم او هم بیشتر سخت گیری می کرد و اجازه نمی داد از خانه خارج شوم.

او حتی در پی یک مشاجره لفظی ضربه ای به صورتم زد که بینی ام شکست و سپس موهای زیبا و رنگی ام را از ته قیچی کرد تا مرا شکنجه روحی بدهد به همین دلیل وقتی او به سرکاری می رفت من هم با کلید یدکی که در خانه مخفی کرده بودم از منزل گریختم و به کلانتری آمدم تا شاید چاره ای برای نجات زندگی ام بیابم و ...

با صدور دستوری ویژه از سوی سرهنگ جعفر خانی (رئیس کلانتری پنجتن) بررسی های کارشناسی و روان شناختی این پرونده به مشاوران زبده دایره مددکاری اجتماعی سپرده شد.

کردکانه با خودم می اندیشیدم اگر زودتر ازدواج کنم از سختی های زندگی با ناملاری رها می شوم بالاخره تصمیم خودم را گرفتم و پای سفره عقد نشستم.

یک سال بعد جشن عروسی ما برگزار شد و من زندگی مشترکم را در منزل اجاره ای اسحاق در یکی از شهرک های حاشیه مشهد آغاز کردم. او مردی زحمت کش و کارگری بی ادعا بود به همین خاطر سعی می کرد همه امکانات رفاهی را برابرم فراهم کند تا جایی که حتی به من اجازه تحصیل داد اما با همه این خوبی های هیچ گانه نمی توانستیم همدیگر راد رک کنیم رفتار و گفتار من برای او کودکانه جلوه می کرد و من هم نمی توانستم مانند او بیندیشم چرا که اختلاف سنی زیادی داشتیم و به همین دلیل همواره با هم درگیر بودیم. من در آغاز سن نوجوانی دختری بازگوش بودم و شیطنت می کردم ولی همسرم رفتاری باوقار داشت و همواره مراضیحت می کرد.

ایسن تنش ها و رفتارها به حدی رسید که دیگر حرمت زن و شوهری بین ما شکست و من مقابل او می ایستادم و لچ بازی می کردم طولی نکشید که به خاطر همین رفتارهای کودکانه همسرم از ادامه تحصیل جلوگیری کرد و دیگر نمی گذاشت از خانه

ام بودم که خواهر ناتنی ام متولد شد و این گونه زندگی من نیز رنگ دیگری گرفت چرا که پدرم نیز از من غفلت کرد و همه توجهات خانوادگی به سوی نوزاد تازه متولد شده چرخید در این شرایط روزهای سختی را می گذراندم تا این که ماجرای طلاق پسرعمویم بر سر زبان ها افتاد.

او با نامزدش دچار اختلافات شدیدی شده بود و به همین دلیل در کشاکش جدایی از یکدیگر بودند. در همین روزها من هم بنا به تقاضای پدرم به منزل عمومیم می رفتم و با دختر عمومیم درس می خواندم چرا که او هم سن و سال من بود. طولی نکشید که خبر طلاق «اسحاق» به روستا رسید و خانواده عمومیم را ناراحت کرد. حدود ۲ ماه بعد از این ماجرا روزی اسحاق به روستا آمد و ما نیز برای دورهمی شبانه به منزل عمومیم دعوت شدیم.

آن جا بود که دختر عمومیم به شوخی سخنی را درباره ازدواج من و اسحاق مطرح کرد و خیلی زود با توجه زن عمومیم مواجه شد. چند روز بعد آن ها با هماهنگی پدرم به منزل ما آمدند و مرا که سیزدهمین بهار زندگی ام را می گذراندم برای اسحاق خواستگاری کردند. با آن که پسرعمومیم ۱۷ سال از من بزرگ تر بود و علاقه قلبی برای ازدواج با او نداشتم اما در همان افکار

گروه حوادث - عروس ۱۶ ساله که مدعی بود با کلید یدکی از خانه گریخته و به کلانتری آمده است درباره سرگذشت خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری پنج تن مشهد گفت: ۵ سال بیشتر نداشتیم که فرزند طلاق نام گرفت پدر و مادرم در حالی از یکدیگر جدا شدند که من هنوز معنای طلاق را نمی فهمیدم. هر بار از مادرم سختی می گفتم یا درباره او کنجکاوی می کردم با نگاه های سنگین و سرزنش اظراف ایانم روبه رو می شدم. آن ها مادرم را زنی بدکاره خطاب می کردند و از من می خواستند هیچ گاه نامش را بر زبان نیاروم و در جست و جوی او نباشم. چند ماه بعد پدرم با دختر دیگری از اهالی روستای محل زندگی مان ازدواج کرد و این گونه نام «نامادری» بر زندگی من سایه انداخت. پدرم کشتاوروزی می کرد و همواره در بیرون از منزل به سرسری بردامان از همان دوران کودکی در برابر نامداری ام جبهه گرفتم و به لچ بازی با او پرداختم چرا که در مدرسه نیز مرا به عنوان فرزند طلاق می شناختند و این موضوع به عقده ای روانی برایم تبدیل شده بود حوصله امر و نهی و حتی نصیحت های نامادری ام را نداشتم فقط سعی می کردم نمرات خوبی بگیرم تا از سوی دیگران سرزنش نشوم خلاصه درگیر ناملایمات دوران کودکی

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

تلفن: ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶)
سایت: www.eghtesad-kish.ir

صنایع چوب

شرکت چوب سازان آداک صنعت کیش ساخت انواع منسوجات چوبی، کابینت، ترمو وود.....شو روم: بازار پادانا ۰۹۳۴۷۶۸۲۵۵۸

تعمیرات

سرد آسا کیش
تعمیرات کلیه سیستم های برودتی
۰۹۱۷۳۶۴۶۸۶۴
۰۹۳۴۷۶۹۷۸۴۴
۰۹۳۳۷۲۱۶۸۶۴
اینستاگرام: sard.asa.kish

مفقودی

اصل سند سازمانی منطقه آزاد کیش مربوط به شش دانگ یک دستگاه آپارتمان مسکونی به شماره ۵ تفکیکی در طبقه دوم سمت شرقی بمساحت ۷۱متر و ۷۶ صدم متر مربع که ۲متر و ۱ صدم متر مربع آن بالکن مسقف میباشد بانضمام ۱ باب پارکینگ به شماره ۵ تفکیکی در طبقه همکف بمساحت ۱۲متر و ۵۰ صدم متر مربع مجزی شده از قطعه ۱۸۳ شهرک نوینباد جزیره کیش وثبت شده به شماره ثبت ۲۱۴۷۲ در تاریخ ۱۳۹۳/۰۴/۲۴ شماره قطعه ۵ شماره تفکیک ۲۰۴۲ شماره پلاک فرعی ۱۸۳ پلاک اصلی شهرک نوینباد شماره قرارداد ۲۶/۸۳۰۱۹۹ در دفتر ۸۶ به نام آقای سید محمد حسین کاردوان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد

استخدام

نیروی خدماتی (آقا، خانم، آقا) باسواد جهت کار در یک شرکت نیازمندیم. متقاضیان می توانند به نشانی ویلاهای مروارید بلوک b۳ طبقه سوم واحد ۷۱۵ مراجعه کنند. شماره تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹

خدمات

خدمات برق
انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه های شما - کلی و جزئی
۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸

حمل کالا

حمل و جابجایی کالا
با ۶ چرخ در سطح جزیره
۰۹۳۴۷۶۹۴۷۲۰

استخدام منشی دفتر آشنا به کامپیوتر و امور اداری جهت کار در یک شرکت استخدام می شود. آدرس مراجعه: ویلاهای اداری مروارید جنب بازارچه حافظ پلاک ۷۱۵ روزنامه اقتصاد کیش

نیازمندیهای اقتصاد کیش
۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۳۹۱۰

۴۴۴۲۴۹۶۹
۴۴۴۲۴۹۹۹

پرتیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش

گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش

اقتصاد کیش
روزنامه